

"در سطر سیّم از اسطر قدس که در لوح یاقوتی از قلم خفّی ثبت شده اینست ای برادران"
"در سطر هشتم از اسطر قدس که در لوح پنجم فردوس است میفرماید ای مردگان فراش غفلت قرنهای گذشت"
"در سطر اوّل لوح مذکور و مسطور است و در سزادق حفظ الله مستور ای بنده من ملک بیزوال را"
این الواح ملکوتست که از قلم اعلی در لوح محفوظ مرقومست چنین الواحی از عالم ملکوت در عالم ناسوت نازل نگشته بلکه در خزائن غیبیه محفوظ و مصونست اگر وقتی نفسی چنین الواحی ابراز نماید و نسبتش بحق دهد که این لوح یاقوتی است یا لوح پنجم از فردوس است اصل ندارد ع ع

"ای دوستان من یاد آورید آن عهدی را که در جبل فاران که در بقعه مبارکه رمان واقع شده با من نموده‌اید"
این عهد و میثاقیست که جمال مبارک در ارض مقدّس بقلم اعلی در ظلّ شجره انیسا گرفته‌اند و بعد از صعود اعلان شد ع ع

"ای پسر انصاف در لیل جمال هیکل بقا از عقبه زمردی وفا بسدره منتهی رجوع نمود"
مقام و عقبه زمردی باصطلاح شیخ جلیل احسانی و حضرت اعلی روحی له الفداء عالم قدر است و آن عقبه بسیار صعب المرور است ع ع

"و جمیع مذکور شد الا اسمی از اسماء و چون اصرار رفت حرف اوّل از لسان جاری شد اهل غرفات از مکامن عزّ خود بیرون دویدند و چون بحرف دوم رسید جمیع بر تراب ریختند در آن وقت ندا از مکمن قرب رسید زیاده بر این جائز نه انا کنا شهداء علی ما فعلوا و حیثند کانوا یفعلون"
آن اسم عظیم اسم اعظمست مراد جمال مبارکست و آنچه الیوم در دست است معانی دو حرف از اسم اعظمست و آن ب و ه ع ع

"اصل الخسران لمن مضت ایامه و ما عرف نفسه"
مقصود اینست که انسان تا حقّ را نشناسد از شناسائی خود نیز محرومست زیرا که باید اوّل انسان نور آفتاب را ادراک نماید و بنور خویش را نیز مشاهده کند زیرا بی نور هیچ چیز مشاهده نشود ع ع